

چهارم

احمدی‌نژاد در مناظره‌ها نشان داد قدرت تحمل زیادی دارد و اما اتفاق میمون دیگری در حال شکل‌گیری بود و جهان شاهد تولد الگوی دیگری از دموکراسی در ایران بود.

شوخی نیست، فردی که مرد اول اجرایی کشور است و هنوز (حتی تا ۲ ماه بعد از انتخابات) رییس جمهور قانونی کشور است در مقابل دیدگان ۱۰-۲۰ میلیون نفر پشت میز مناظره نشست و اجازه داد آمار عملکرد وی را نقد کنند. آمار دیگری در مقابل او ارائه و او را دروغگو بنامند و شایستگی، تحصیلات، تجارب و لیاقت مردان (وزرای) وی را با رکود و تورم و بیکاری و ... به چالش بکشند.

اینجا بود که رییس جمهور الگوی جدید دموکراسی را پذیرفت که مسوولان کشور می‌توانند و باید که نقد شوند. البته احمدی‌نژاد هم در این مناظره‌ها بیکار ننشست و «بگم ... بگم» وی و نامبردن از برخی از افراد، محشری از اطلاعات و افشاکاری‌ها بر پا کرد. و از فردای آن روز بود که هر کس هر اطلاعاتی در مورد کاستی، سهل‌انگاری‌ها و بهره‌برداری‌های مالی، رانت‌خواری‌های سیاسی، اقتصادی و پست و مقامی و مدارک جعلی منسوبین و منصوبین یا بهره‌برداری از رابطه به جای ضابطه توسط برخی روسا و مدیران فعلی و اسبق (اسرار مگو) در اختیار داشت به منظور آگاهی همگان ارائه کرد که البته نمی‌توان بر همه آنها مهر تصدیق زد.

در سایت‌ها سیاهه اموال و دارایی‌های برخی‌ها، مدارک درسی و کاری که در اثر رابطه و نه ضابطه توسط بعضی به دست آمده بود، حتی لیست اقوام سببی و نسبی رییس جمهور که به پست‌های حساس گمارده شده بودند مطرح شد که چاپ آنها دست به دست می‌گشت اما رییس جمهور متعهد بر الگوی جدید دموکراسی، آنها را تکذیب کرد اما دستور تعقیب یا دستگیری افشاکندگان را صادر نکرد.

SMSها در استقبال از این دموکراسی پیام‌ها را به سرعت تکثیر می‌کردند و تقریباً هر لحظه تمام مردم ایران با تحلیل‌ها، خبرها، اطلاع‌رسانی‌ها، افشاکاری‌ها و ... توام بود. طبع شوخ ایرانی و گاف‌هایی که برخی از مسوولان داده بودند شعر و ضرب‌المثل و شعار انتخاباتی SMSها شده بود.

دموکراسی جدید اما محدود به این‌ها نبود و مناظره کار خودش را کرده بود. شب هنگام در مناظره و با کمک آمار و ارقام و نتایج سفرهای استانی و افتتاح‌ها و ... نشان داده می‌شد ایران به سمت گلستان شدن پیش می‌رود و فردا صبح روزنامه‌ها آمار و ارقام دیگری نشان می‌دادند که حداقل عدم تأیید کامل حرف‌های شب گذشته بود و تقریباً برای مسوولین این امر عادی شده بود. در مواردی حتی مسوولین گذشته و فعلی آمار یکی از طرفین مناظره را نقض می‌کردند. آمار در دست موسوی بود که ظاهر آن آمار نشان می‌داد احمدی‌نژاد دروغ می‌گوید و فردای آن روز روزنامه ایران که طرفدار احمدی‌نژاد بود با حروف

ایران الگوی جدید دموکراسی در دنیا

نیز یکی، دو، سه دوره‌ای بود که در انتخابات شرکت نکرده بودند. رای اولی‌ها هم مزید بر علت بود و این استثناء بیش از ۴۰ میلیونی، تقریباً برای کمتر کسی قابل حدس و تخمین بود. البته افزایش صندوق‌های سیار، کم آوردن برگه رای در حوزه‌هایی که نباید چنین می‌شد. شمارش زودتر از موعد و اعلام بسیار سریع آرا نیز در زمره همین استثناءها بود.

سوم

انتخابات دولت دهم از ابتدا تا انتها یک پدیده استثنایی بود که تاریخ ایران و جهان آن را در حافظه‌ها و آرشیوهای غیرقابل پاک کردن خود ضبط و ثبت کردند و سال‌ها بعد شاید مردانی یافت شوند که جزئیات بیشتری از این استثناء و اتفاقات آن به جامعه عرضه کنند.

نخست

نخستین استثناء حضور مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر دوران جنگ بود که بهت سیاسیون و انقلابیون

اگر بپذیریم که نمایندگان مجلس ظهور این دموکراسی را نوید داده‌اند باید پاسخی برای قطع دو هفته‌ای SMSها، اختلال و قطع و فیلترکردن برخی از سایت‌ها و پست‌های الکترونیکی، توقیف برخی از مطبوعات، شناسایی برخی از راهپیمایان معترض، حمله به منازل و پارکینگ‌های مردم و ... توجیهی منطقی ارائه شود



مناظره‌های معروف کاندیداها برای نخستین بار در انتخابات ریاست جمهوری و یا هر انتخاباتی در ایران با موافقت دولتمردان و صبر و بردباری آنان و تحمل افشاکاری‌ها و شفاف‌سازی عملکرد دولت‌ها، تولید، اشتغال، رکود، بیکاری و از طرفی اما و اگرها در مورد آقاها و آقازاده‌ها صورت گرفت.

در این مناظره‌ها دوگونه آمار و ارقام، جداول و نمودارها ارائه می‌شد که یکی از کانال دولت و مدیران دکتر احمدی‌نژاد و دیگری از سوی منابع غیردولتی یا منابعی که قبلاً و نه با هدف ارائه در مناظره و به مناسبت‌های مختلف چاپ کرده بودند به مردم نشان داده می‌شد. این مناظره‌ها شاید آمار بینندگان رسانه ملی را به طرز معجزه‌آسا چندین و چند برابر ایام معمولی کرد و اما بحث آخر

را به همراه داشت. مهندس موسوی که بارها در مقابل درخواست رجال سیاسی، گروه‌ها و احزاب از حضور در انتخابات ریاست جمهوری و تقریباً هر نوع مشارکت در امور سیاسی در ۲۰ سال گذشته سرباز زده بود. این بار حتی پیش از اینکه کلام سیدمحمد خاتمی - به هر صورت یا من یا آقای موسوی یکی در انتخابات شرکت می‌کنیم - منعقد شود حضور خود را به یک باره اعلام کرد که حرف و حدیث‌های خاص خود را داشت. خاطرات دوران نخست‌وزیری موسوی و نحوه تعامل دو دستگاه ریاست جمهوری و نخست‌وزیری، سیاسیون را از این اعلام حضور شگفت‌زده کرد.

دوم

اعتماد دگر باره صاحبان آرای خاموش یا صاحبان خاموش آرا بود. زنان، مردان و جوانان زیادی که تا پیش از ۲۲ خرداد محل مهر شناسنامه آنها سفید بود برخی



طرفداران موسوی با بهره‌گیری از این دموکراسی به و تردید جدی خود را به نتایج آرا معترضانه اعلام و به خیابان‌ها بیایند عصرها خیابان انقلاب و آزادی یا خیابان ولی‌عصر از طرف حامیان نامزدها برای راهپیمایی (اعم از جشن پیروزی یا تظاهرات اعتراض‌آمیز یا راهپیمایی سکوت) انتخاب می‌شد. دولت اعلام می‌کرد راهپیمایی غیرقانونی است و معترضین طبق یک ماده از قانون اساسی اصرار می‌کردند راهپیمایی آرام معنی ندارد.

یکی اعلام می‌کرد طرفداران موسوی می‌خواهند انقلاب مخملی یا صورتی راه بیاندازند آن دیگری سوژه می‌داد که پروژه تقلب موفق شده و دولت همه را تحمل می‌کرد تا آرامش حکم‌فرما شود. دامنه الگوی دموکراسی جدید اما به پشت بام‌ها و الله اکبر گفتن‌ها کشیده شد و احمدی‌نژاد به عنوان کسی که هم رییس جمهور بوده و هم برای ۴ سال بعد تثبیت شده دستور توقف‌الله اکبرها را نداد، گرچه برادر رییس مجلس در مصاحبه تلویزیونی، الله اکبر مردم را نوعی کفر برشمرد. با این همه دموکراسی از دریا و خشکی در حال پیشرفت بود و مردم راهپیمایی‌های وسیع‌تر تدارک دیدند سعه صدر رییس جمهور حتی زمانی که می‌شنید طرفداران یک کاندید می‌گویند «مرگ بر دیکتاتور» ستودنی بود وی اجازه می‌داد حتی اگر به خودش هتک حرمت می‌شود اما دموکراسی ریشه بداند. «رای من کجاست» یا تراکت‌های «می‌نویسم موسوی می‌خوانند احمدی‌نژاد» یا «موسوی رای مرا پس بگیر» شاید آرام‌ترین تراکت‌های معترضان بود. بگذریم که حوادث تلخی هم بر ملت رفت و انسان‌های بی‌گناه کشته شده و اماکن دولتی که هیچ صاحب نظر سیاسی و انسان درد آشنایی آنها را تایید نمی‌کند تخریب شد اما به واقع این هزینه‌های سنگین انجام شد تا مسوولان و مردم الگوی جدید را جا بیاندازند.

دموکراسی به حدی پیشرفت کرد که در روزهای نخست، برخی از مسوولان بلندپایه کشوری پیروزی احمدی‌نژاد را تبریک نگفتند و مورد سوءظن یا سوال دولت یا مدیران پیروز هم قرار نگرفتند و برخی هم تبریک گفتند. مهندس باهنر نایب رییس مجلس در مصاحبه‌ای حقوق کاندیداهای رای نیاورده را در تلویزیون محترم شمرد و ضمن دعوت مردم به آرامش گفت کسی که ۱۳، ۱۴ میلیون رای می‌آورد باید بتواند حرفش را در صدا و سیما یا سایر جاها بزند. دکتر لاریجانی هم که تلویحا بی‌طرفی شورای نگهبان را مورد تردید قرار داده بود ضمن انتقاد به برخورد و هجوم به کوی دانشگاه و کوی سبحان کرد اعتراضات به مجمع تشخیص مصلحت برده شود تا آنها نظر دهند. در همین حال کمیسیونی برای پیگیری موضوع تشکیل داد تا نتایج ریزنی‌های خود را به رییس مجلس ارایه دهند. در مجلس کمیسیون امنیت ملی نیز به تشخیص خود هیاتی را برای مذاکره جدی با نامزدهای - ناپیروز - تشکیل داد تا یک کار موازی صورت دهند. در حالی که در انتخابات پیش از این هر کس که به عنوان پیروز اعلام می‌شد سایر نامزدها و مسوولان و مدیران هرگز به رو نمی‌آوردند و تمام!

شورای نگهبان هم به نوعی دموکراسی جدید را

۱۰۰ نوشت که موسوی دروغ می‌گوید. متأسفانه وقت کارشناسی و زمان برای دقت نبود تا معلوم شود هر دو دروغ می‌گویند یا یکی بیشتر از دیگری؟ یا اینکه تنها یکی راست می‌گوید.

در ادامه این روند، دهها سرود و آهنگ ساخته شد و جوانان در کنار تمرین دموکراسی سرگرمی پاپ و رپ سیاسی را هم تجربه می‌کردند. این آهنگ‌ها دست به دست می‌گشت.

نماد دیگر این دموکراسی که هرگز در مبارزات انتخاباتی ایران شکل نگرفته بود تابلو و نوشته‌های در دست مردم در تجمع‌های حمایتی بود با تراکت‌های «دروغ ممنوع» و نوشته‌های «موسوی دروغ می‌گوید» تراکت با طرح طنزگونه تصویر احمدی‌نژاد با عنوان «دزدگیر» و یا ورق‌هایی که به شکل روزنامه طراحی و در آن با حروف درشت نوشته شده بود «احمدی‌نژاد رفت» و دهها نوشته، دست نوشته، تراکت و تابلو از این دست حکایت از شهامت یا جبر دولتمردان در پذیرش و ترویج و تقویت دموکراسی جدید می‌کرد.

دموکراسی آنقدر جای خود را باز کرده بود که علاوه بر مردان اصلاحات و مشارکتی‌ها، برخی از مدیران ارشد نظام که از چند سال پیش از دایره قدرت بیرون رانده شده بودند یا پرونده محکومیت داشته یا از دولت احمدی‌نژاد قهر کرده بودند، به عنوان اعضاء احتمالی کابینه و حتی معاون اول برخی از کاندیداها مطرح بودند و دولت در مقابل آنها موضع‌گیری نمی‌کرد.

طرفداران احمدی‌نژاد در مصلی تهران جمع می‌شدند و طرفداران موسوی در میدان آزادی، یکی سبز می‌شد یکی پرچم و در هر حضور مردمی میلیونها پوستر، پارچه، پرچم و صدها اتوبوس و مینی‌بوس حضور فعال داشتند با این همه کاندیداها اعلام می‌کردند پولی برای تبلیغ ندارند و نداده‌اند و ارقام مطرح شده در مناظره‌ها را نیز نفی می‌کردند اما به واقع هزینه‌های میلیاردری در چاپخانه‌ها و دفاتر تبلیغاتی و رستورانها و ستادها و کرایه اتوبوس‌ها و مینی‌بوسها و سفرها و ... صورت می‌گرفت و چک‌های زیادی رد و بدل می‌شد!

یکی دو روز قبل از انتخابات احمدی‌نژاد در جمع دوستداران خود اعلام کرد چون رقیب شکست خورده است و شانس برای پیروزی ندارد شائبه تقلب در انتخابات را مطرح می‌کند و شب رای‌گیری مهندس موسوی اعلام کرد او پیروز آراء مردم است و نتیجه جز این توسط مردم پذیرفته نخواهد شد.

هزینه‌های تمرین دموکراسی و آنهم در قالب و تعریف جدید، گرچه زیاد بود اما کاری شروع شده و غیرقابل بازگشت به عقب بود.

نتیجه آرا البته مانند الگوی جدید دموکراسی خیلی‌ها را تعجب زده کرد. کروی شیخ اصلاحات با یک شب بی‌خوابی و زیر یک درصد رای که برایش اعلام کردند و دکتر محسن رضایی سردار سپاه و مرد جان فدای دفاع مقدس با کمتر از ۳ درصد و آراء موسوی و احمدی‌نژاد به شرح اعلام وزارت کشور موجب شد تا

پذیرفت که ۱۰ درصد صندوق‌ها (گرچه دیر هنگام و با هزینه زیاد دولت و ملت) بازشماری شود.

در روزهای میانی هفته گذشته و ۱۰ روز پس از اعلام پیروزی احمدی‌نژاد در یک دیدار دیر هنگام حدود ۱۰۰ تن از ۲۹۰ نفر نمایندگان مجلس در حالی که رییس مجلس و نایب رییس و جمعی از افراد اثرگذار در میان آنها نبودند به دیدار احمدی‌نژاد رفتند تا به او تبریک بگویند اما شاه بیت این دیدار اعلام این موضوع توسط نمایندگان بود که: انتخابات و برنامه‌های آن نشان داد در ایران نوعی جدید از دموکراسی شکل گرفته که نه لیبرالی است نه از نوع کشورهای بلوک شرق متأسفانه استکبار جهانی و سران غرب که حقوق بشر را راه‌انداخته‌اند و ادعای مهد دموکراسی بودن می‌کنند، الگوی جدید دموکراسی ایران را که نه لیبرالی و نه بلوک شرقی است زیرا شعارهای خود را کم‌رنگ کردند اما اگر بپذیریم که نمایندگان مجلس ظهور این دموکراسی را نوید داده‌اند باید پاسخی برای قطع دو هفته‌ای SMS ها، اختلال و قطعی یا نیمه تعطیلی فعالیت برخی از سایت‌ها و پست‌های الکترونیک، قطع موردی و زماندار ارتباط موبایل‌ها، اخراج برخی از مدیران از سمت‌های قبل از انتخابات، توقیف برخی از مطبوعات، فیلتر کردن بسیاری از سایت‌ها، شناسایی برخی از راهپیمایان معترض، تخریب برخی از اماکن، حمله به منازل و پارکینگ‌های مردم، هجوم به راهپیمایان و ضرب و جرح، دستگیری و کشتار مردم توسط هر باند یا جریان یا گروهی مطرح کرد که آن الگوی دموکراسی و این برخوردها توجیهی منطقی ارائه شود.▲